

ضمیمه اکتبر ۸۸، ویژه اول ماه مه منتشر شد!

وظایف عاجل ما در کردستان!

سخنرانی در پلنوم چهارم

حزب حکمتیست- آوریل ۲۰۰۶

مبحث و به عنوان یک نوبت بر اقدامات عاجل ما در کردستان تاکید می‌کنیم. اجازه بدهید بعضی موضوعات و استنتاجات جا افتاده در مورد فعالیت‌هایمان در کردستان را فرض بگیرم و وارد توضیحات غیر ضروری نشوم. اینکه حکمتیست‌ها می‌توانند تضمین کنند کردستان دروازه قدرت کمونیسم و چپ باشد. اینکه در این دوره گارد آزادی نقش محوری و تعیین کننده ای در پیشبرد فعالیت‌های ما دارد. اینکه ناسیونالیست‌ها و فدرالیست‌ها را باید منزوی کرد. اینکه کار همیشگی سازماندهی حزبی و توده ای را گسترده تر



رحمان حسین زاده

این بحث معرفی خاصی نمیخواهد. موضوع برای همه روشن است. بویژه در دستورهای قبلی به اوضاع ایران و خطر جنگ و پیامدهای آن در ایران و کردستان پرداختیم در شروع

صفحه ۴

نقطه فریب - (۲)!



ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

مسئله شدن رژیم صدام به سلاح کشتار جمعی برای پوشش فریبنده حمله به عراق در مارس سال ۲۰۰۳ همان اندازه حقیقت داشت که بهانه نگرانی "جامعه بین المللی" (پوشش فریبکارانه دیگری برای دولت بوش) از خطر دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی. نوشتیم همان اندازه قصد دولت آمریکا به مبارزه با تروریسم رژیم اسلامی صادقانه و حقیقی است که ادعای دفاع از حقوق بشر در ایران. این دروغ پردازیها و صحنه آرائی دروغین، همگی بخشی از سناریو جنگی و جزئی از استراتژی حمله نظامی آمریکا به ایران است. اما در کنار و همراه با این نقطه فریب، خفیه مبهم و گمراه کننده

خطر حمله قریب الوقوع دولت بوش به ایران هر روز نزدیکتر میشود. من در نوشته اول خود با همین عنوان نقطه فریب، نوشتم که برای این جنگ احتمالی دلایلی می‌توانستند که هیچ حقیقتی را نمایندگی نمیکنند. نوشتیم بهانه خطر

صفحه ۳

اندرز به جونیورهای "خودی"!

(در حاشیه اظهارات اخیر بها ادب در مورد جنگ آمریکا علیه ایران)

سوالی در رابطه با حمله نظامی آمریکا به ایران است. بها ادب در جواب به سوال نشریه هاوولاتی که آیا حمله نظامی آمریکا به ایران به نفع یا ضرر "کردها" است، میگوید... این حمله احتمالی به ضرر کردها و به نفع جمهوری اسلامی است... ایران عراق نیست. این حمله دولت احمدی نژاد را که وعده هایی به مردم داده بود، از بحران رها میکند... صورت

بررسی است. نه به این دلیل که بها ادب جایگاهی میان مردم دارد، اتفاقا برعکس دو دوره نمایندگی او در مجلس رژیم اسلامی و تصویر او در اذهان مردم کردستان نیازی به توضیح دیگری ندارد، بلکه به این جهت که شناختن راه "حل" های محافل مختلف جنبش ناسیونالیسم کرد، ما را در شناختن این جنبش و پرسنل‌های آن کمک میکند. محور اساسی این گفتگو جواب به



عبدالله شریفی

هفته نامه (هاوولاتی) چاپ سلیمانیه در شماره ۲۷۱ مصاحبه ای با بها ادب منتشر کرده است. این مصاحبه از برخی جهات قابل

واحدای گارد آزادی در شهر سنندج به استقبال

اول مه میروند، ده محله شهر سنندج دو شب

متوالی محل ابراز وجود گارد آزادی بود!

مه و تراکتهای دیگر به مناسبت این روز را وسیعاً پخش کردند و همچنین در گرامیداشت ماه مه در این محلات شعار نویسی کردند. شب بعد، شنبه نهم اردیبهشت در شهرک بعثت، محلات جورآباد، ۲۵ شهریور و حسن آباد اطلاعاتیه "به گارد آزادی بپیوندید" کمیته فرماندهی و سازماندهی گارد آزادی را به دست مردم

به مناسبت فرارسیدن اول مه روز جهانی کارگر شبهای ۹ اردیبهشت واحدهای گارد آزادی در ۱۰ محله شهر سنندج حضور پیدا کردند. جمعه شب هشتم اردیبهشت در شهرک بهاران، محلات شالمان، شریف آباد، فیض آباد، کارآموزی و آبادی نه نه له واحدهای گارد آزادی اطلاعاتیه حزب حکمتیست به مناسبت اول



زنده باد اول مه ، روز جهانی کارگر!



گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید ! به گارد آزادی بپیوندید !



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حمله، اکثر فعالین مسله کرد فوراً سر از زندان در خواهند آورد... ما کردها از همه کس بیشتر ایرانی هستیم. مسله کرد در چهارچوب ایران قابل حل است. حل مسله کرد هنوز در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی قابل حل است. مسله کرد با مسله سرنگونی حل نمیشود..."

به دنبال دفاع و قیام و آشکار عبدالله مهدی از تهاجم نظامی آمریکا به مردم ایران، و در امتداد آن اظهارات عمر ایلخانیزاده در دفاع از جانشین از ایران، این روایت "عقلانه" تر بها ادب، همقطاران قوم پرست کرد را به پای منبر نصایح خود میکشاند. اظهارات اخیر عبدالله مهدی حتی از نظر بها ادب هم نازل و سبک آمده و در این رابطه قصد دارد به "خبرکاریهای" نخراشیده عبدالله مهدی و عمر ایلخانیزاده جوابی داده باشد. او در چهره "معقولتر" ایلخانیزاده و حکومت کرده و با تجربه تر جواب جینیور بازی و کم ظرفیتی درون جنبش خود را میدهد. دارد میگوید که او بهتر موضوع را میبیند، او بهتر میداند که با تجربه عراق، نمیتوان نعل به نعل رفت به استقبال اوضاع آتی ایران، او دارد میگوید که حمله نظامی به ایران موقعیت رژیم اسلامی را در مقابل مردم بهتر خواهد کرد، او خود صاحب خانه است اوضاع را خوبتر بو کشیده است، میخواهد

همقطاران جونیور خود را سر عقل بیاورد. وقتی میگوید "ایران عراق نیست" به زبان آدمیزاد یعنی نسخه سناریوی فراعنه قوم پرستان کرد در عراق، ممکن است به آن آسانی تکرار نشود، حقیقتاً ایران عراق نیست، معلوم است تضاد قومی در عراق تحت حکومت قومی و موقعیت ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق، و همان موقعیت در کردستان ایران علاوه بر شباهتها تمایزهای قابل پذیرشی دارند، بها ادب تشخیص واقعبینانه را داده است که نه رهبری کنونی حزب دمکرات و نه جریانات فاشیسم کرد، قادر به تشخیص آن نیستند.

بها ادب نگران است که ظرفیت احزاب قومی کرد در کردستان عراق و جنگ چندین ساله آنها بر سر تقسیم قدرت در جوار رژیم تضعیف شده و غیر میلتانت صدام و زیر چتر آمریکا، نتواند در ایران تکرار شود، او میداند که نه رژیم همان رژیم است، نه مردم همان مردم و نه شرایط همان شرایط و نه آمریکا همان آمریکا، همه معادلات تغییر کرده اند او این تغییرات را به همقطاران خود گوشزد میکند. علاوه بر دیدن موقعیت رژیم، موقعیت مردم کردستان ایران، نفوذ چپ در جامعه کردستان را در معادلات خود ناگفته به حساب میآورد، دارد به هم پالگه‌های خارج از حکومت خود میگوید که از هول حلیم در دیک نیفتید!

بها ادب نگران است که تب گانگستر بازی و میلبون شدن چشمشان را بر واقعیتها و فاکتورهایی ببندد که رویای کل جنبششان را به مخاطره اندازد. او در پز رهبر معنوی به طرف حساب ناسنجیده خود هشدار میدهد که کسان دیگری هم در این قضیه دخیل هستند. او همقطاران خود را زیر سلیه رهنمودهای خود قرار میدهد و میخواهد تأثیرات مخرب روایت آنها را در اذهان طرفهای آتی داد و ستد "مسله کرد" از سران رژیم اسلامی تا رهبران ناسیونالیسم ایرانی با روایت خود تعیل و قابل هضم کند.

به نظر میرسد، بازگشت بها ادب به راه حل قدیمی تر، از سر نوعی "واقع بینی" پراگماتیستی باشد که بیشتر از سیاستمداران حکومت کرده و "آبیده" تر سر میزند. اما صراحت و دریدگی جریانات نظیر زحمتکشان در جهت جاکش کردن در شکافها و پاکسازیهایی قومی، برخورد کلاسیک به این مسله، یعنی ساخت و پاخت با حکومت مرکزی، سازش از بالا و از کتال حکومت مرکزی را به مرکز عقل و درایت جبهه ناسیونالیسم کرد تبدیل میکند. امکان سازش از بالا با حکومتهای مرکزی، سنتا در تاریخ ناسیونالیسم کرد ریشه دارد، تاریخ حزب دمکرات کردستان ایران مملو از این تجارب میباشد. بها ادب نمیخواهد امکانات تاریخی تر را از

خود سلب کند او راه حل قانونی در چهارچوب قانون اساسی رژیم اسلامی را در مقابل راه حل کماتوی درجه چندم ارتش آمریکا شدن عبدالله مهدی قرار میدهد. او قبلتر در میثاق جبهه خودش گفته بود که به عنوان شخصیت "اصیل ترین قوم ایرانی" مدافع سرسخت "تمامیت ارضی" است و اکنون نیز میگوید ایرانی اصیل فقط او است و "حل مسله کرد" در این مدار قابل حل است. بها ادب ترجیح داده است که "کرد"ها به اتکا به جمهوری اسلامی و قوانین آن در این تنازع بقای ارتجاع اسلامی به حق خود برسند.

"راه حل" مسله کرد، در مقابل حل منطقی با دخالت مستقیم خود مردم، روایت سیا و پنتاگونی، اسلامی، قومی، تمامیت ارضی، سناریو سیاهی، نوع یکیتی و پارتی و جنگ قومی و غیره دارد. در این قرائت های ملون، ناجی میتواند، کروژ آمریکا و یا اسرائیل باشد، میتواند عطفوت اسلام و به کمک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یا به کمک دخالت نظامی آمریکا و اسرائیل و یا از هم پاشیدن زندگی اجتماعی مردم باشد، میتواند جنگهای قومی سالیان متمادی رمز برو بیا مسله کرد باشد.

حقیقت این است که بها ادب راه حل مسله نیست، او و جنبشی که او به آن تعلق دارد خود صورت مسله هستند. مردم کردستان ایران همه این رخساره های سیاسی را با

تحمل مشقات و سپری کردن سرکوب و فقر و فلاکت پشت سر گذاشته اند. خطر حمله نظامی آمریکا به ایران میتواند همه جبهه های ضد انسانی و از جمله جمهوری اسلامی و گردانها و دستجات استشهدای و جوخه های عملیات جنون انتحاری را تقویت کند. این اتفاق در همه جوانب خود به ضرر مردم و منافع مردم است. کسانی که منافع خود را و امکان عروج خود را در ویرانی جامعه و مسخ زندگی مردم جستجو میکنند، خود بخشی از جنگی هستند که علیه مردم برپا میشود. راه حل مسدود کردن همه منافذی است که این عفونت و چرک قومی و مذهبی را بیرون میزند، این حفره های ارتجاعی را باید توسط نیروی متحد و متشکل مردم خشکاند. مردم باید با دخالت مستقیم خود سر نوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حل انسانی و کم مشقت این مسله در گرو عبور دادن مردم از تهاجم نظامی آمریکا به ایران و غیر ممکن کردن عراقیزه شدن ایران است.

سرنگونی رژیم اسلامی بدست مردم، گرفتن قدرت و کنترل اوضاع توسط مردم مسلح و متشکل راه حل واقعی سد کردن این سناریوی ضد بشری و عبور دادن جامعه از فاجعه ای انسانی است که اکنون بالای سر مردم ایران و جهان قرار داده اند.

۲ مه ۲۰۰۶

رسانند و وسیعاً پخش کردند. حضور وسیع واحدهای گارد آزادی نو شب متوالی در محلات شهر سنندج با استقبال گرم مردم روبرو شد. گارد آزادی نیروی دفاع از کارگر و مردم زحمتکش در مناسبت جهانی کارگر همسرنشینی و همگامی مبارزاتی خود را با کارگران و مردم زحمتکش محکمتر نمود. گارد آزادی نیروی دفاع از آزادی و منافع کارگران و مردم، نیروی تضمین کننده امنیت و راهی مردم و نیروی مقابله با ارتجاع و سناریوی سیاه را با تمام توان باید تقویت نمود. به واحدهای گارد آزادی ببینید.

کمیته فرماندهی و سازماندهی گارد آزادی
عبدالله دارایی
یازدهم اردیبهشت ۱۳۸۵ - (اول مه ۲۰۰۶)

خصلت ارتجاعی شعار فدرالیسم و عواقب سیاسی و اجتماعی فوق العاده زیانبار آن برای مردم و جامعه بسیار عیان است. فدرالیسم به معنای تقسیم قومی رسمی مردم کشور و ترانشیدن هویت های ملی و قومی کاذب برای مردم و صدور شناسنامه های قومی برای میلیون ها انسانی است که در ایران زندگی و کار می کنند. فدرالیسم به معنای عقب کشیدن خودآگاهی سیاسی مردم و فرهنگ سیاسی جامعه و برجسته کردن قومی گری و نژادپرستی در ذهنیت مردم و نهادها و قوانین اجتماعی است. فدرالیسم به معنای رسمیت دادن و تعمیم بخشیدن به تبعیضات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان مردم برجسب های ملی و قومی، پاکسازی های قومی در مناطق مختلف کشور، رهبر ترانشیدن از میان مرتجع ترین احزاب و افراد برای مردم مناطق مختلف و به عقب راندن جنبش ها و نیرو های یک کشور سکولار غیر مذهبی و غیر قومی و برابری همه اهالی کشور مستقل از جنسیت و نژاد و مذهب و قومیت تلاش می کنند. شعار فدرالیسم نسخه ای برای ایجاد عمیق ترین شکاف ها و تفرقه های قومی در صفوف طبقه کارگر کشور است. شعار فدرالیسم شعاری ضد کارگری و ضد سوسیالیستی است.

منصور حکمت

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

نقطه فریب ... از ص ۱

و اجیر کردن ارتشهای "ازادبخش" قومی و دامن زدن به پاکسازیهای پس از آن، کنار زده شوند. این را در بمباران بی رحمانه بلگراد و نیز در انواع انقلاب "مخملی" و "نارنجی" کشورهای سر برآورده از فروپاشی شوروی به عیان دیدیم اما فروپاشی شوروی، موازنه نیروها و بلوکهای سیاسی و اقتصادی و نظامی را برهم زد. در جهان بدون "قطب"، آمریکا در درجه اول در تلاش تحکیم سرکردگی و اعاده صدارت و مقام ژاندارمی خود بر جهان برآمد. اما آنچه را که دیدیم، منجر به دست بالا پیدا کردن سرمایه داری آمریکا و هژمونی سیاسی و نظامی دولت آمریکا شد. در زمینه اقتصاد و تفوق نظامی، کشورهای اروپای واحد و روسیه حاصل تعرض و مداخله آمریکا و نتو را چیدند. آنچه را که مادر پی فروپاشی شوروی شاهد بودیم، تعرض سرمایه اروپایی به کشورهای تازه "آزاد شده" از بلوک شرق بود. "نظم نوین" قبل از آن در جنگ خلیج، در سال ۱۹۹۱، به برتری سیاسی اقتصادی آمریکا نینجامید. خاورمیانه و کشورهای حوزه خلیج کماکان شاهد گسترده شدن حوزه کالاهای ارزان ژاپن و چین و نیز مناسبات دیرین تر سرمایه اروپایی بود.

جنگ دوم آمریکا علیه عراق، حمله سال ۲۰۰۳، هنوز تعیین تکلیف نشده است و معلوم نیست نتایج این همه سرمایه گذاری نظامی و تلفات و زیرو رو کردن جامعه عراق، به محصول قابل برداشتی از جانب سرمایه داری آمریکا و سلطه بالمنزاع سیاسی دولت بوش منجر شود. مشکل برتری نظامی با توضیحی که خود کارشناسان و مشاورین بوش

اذعان کرده اند، هنوز باید خود را از "بلاق" عراق عبور دهد. اما رقبای اصلی تر آمریکا در عرصه بازار کالا و سرمایه و پول، دارند در خانه سرمایه آمریکائی، گلوی آن را فشار میدهند. ژاپن و چین، دارند بازار اتومبیل و وسائل الکترونیک و نساجی و حتی خطوط هوایی را از دست شرکتها و سرمایه داران آمریکائی در خود آمریکا در می آورند. مشکل تراز منفی تجارت خارجی با چین، با رقم سالیانه حدود ۲۰۰ میلیارد دلار، و افزایش ۵۴ میلیارد دلاری ژاپن در موازنه تجارت خارجی با آمریکا، سرمایه آمریکائی را زمین گیر کرده است. این رقابت را سرمایه آمریکائی نمیتواند به نفع خود تغییر دهد به این دلیل ساده که نظم و انضباط شبه نظامی تولید در ژاپن و فرهنگی که سرمایه ژاپنی مردم را با "فداقت" و فداکاری ملی بار آورده است چنین اجازه ای را نمیدهد. سرمایه آمریکا از سوی دیگر از قدرت تحمیل یک سیستم کار ارزان و بردگی مطلق به طبقه کارگر و جمعیت مزد بگیر و حقوق بگیر ناتوان است. رقیب قدرتمندتر اقتصادی، چین، از قبل نیروی میلیاردری ارزانترین نیروی کار (دستمزد حدود یک دلار در روز)، امکان پائین نگاه داشتن ارزش پول رایج چین را برای تسهیل صادرات کالاهای ارزان فراهم کرده است. این یک معضل مهم و نکته اصلی مذاکرات اخیر رئیس جمهور چین با بوش بود. "پریزیدننت" بوش که در جنگ یوگوسلاوی و عراق و فضای جنگی فعلی با رژیم اسلامی، لحن آشتی ناپذیر دارد و از تصمیم به عملی ساختن "دمکراسی" کوتاه نمی آید، در مذاکره با رئیس جمهور چین چندین بار خواهش و تمنا کرد که بلکه مرحمت کند چند دهم درصد ارزش بین چین را بالا ببرد.

سرمایه آمریکائی در طول تمام حیات خود تا این حد به نقطه افول و سرازیری نزدیک نشده است. بحرن سرمایه داری آمریکا، معضل و درد بی درمانی است که حکومت برگزیده اش، نمیتواند بپذیرد. این میدان اصلی جنگ رقبای واقعی در اقتصاد و سیاست آمریکاست. جنگ "کوئنده" بوش علیه جامعه ایران و لحن سازش ناپذیر او در مقابل رژیم اسلامی، قرار است آن لحن ملتسانه او را در مقابل رئیس جمهور چین و مقامات ژاپن و اروپای واحد و روسیه تغییر دهد. جنگ واقعی اینجاست، اما قرار است اولین کسانی که اجسادشان و زندگیشان و مدنیتشان برای عبرت و ارعاب و امتیازدهی در این میدان جنگ حقیقی، در ملا عام نمایش داده شود، مردم ایران و جامعه ایران و منطقه باشند.

جنگ با رژیم اسلامی ایران، به عنوان رژیمی که مثل رژیم طالبان در افغانستان بی ریشه نیست، رژیمی که در عراق حتی به تعرضهایی علیه آمریکا دست زده است، رژیمی که پشت جبهه جریانات اسلامی در منطقه است، میتواند مثل تصفیه های درونی گروههای مافیائی که مرد شماره ۲ باند رقیب را به منظور ارعاب رئیس اصلی به طرز فجیعی میکشند، برای آن رقبای اصلی پیش پرده و "دست گرمی" باشد. قرار بود کره شمالی هم یکی از محورهای "شر" باشد. اما توان ضربه متقابل و مسلح شدن کره شمالی به بمب اتمی باضافه اینکه این رژیم چون رژیم اسلامی مورد نفرت مردم خود و مردم جهان نیست، "گزینه" جنگ افروزی با کره شمالی را برای دولت بوش نامطلوب و تاحدی بی سرانجام ساخته است. اما رژیم جمهوری اسلامی، چه در مقابل مردم ایران و چه در افکار عمومی جهان، شکننده تر و از توان دفاعی و

ضربه متقابل کمتری برخوردار است. اسلامی بودن حاکمیت از طرف دیگر ظرفیتی از خود بروز داده است که ما در عملیات جنون آمیز و فوق جنایتکارانه انتحاری در عراق و در نسل کشیهای ایران شاهد آن بوده ایم. به همین دلیل جنگ آمریکا، حتی به گفته استراتژیستهای دولت بوش، چنان ابعاد ویران کننده و برق آسانی دارد که استفاده از بمب اتمی را هم منتفی نکرده اند. این جنگ، بنابراین، نه جنگی علیه اسلامیت رژیم اسلامی است، نه عملیاتی بازدارنده برای جلوگیری از دستیابی رژیم اسلامی به بمب اتم و نه عشق دولت بوش به دمکراسی و با "حقوق بشر" مردم ایران. تبلیغات و هیاهوی که دولت بوش و ژورنالیسم نوکر بپا کرده اند، کوچکترین نره ای از حقیقت را به مردم جهان نمیگویند. نیروهای راست اپوزیسیون و چپ ناسیونالیست، از جمله شاخص ترین آنها، حزب کمونیست کارگری، همراه با جمهورخواهان ملی و تمامی طیف اپوزیسیون راست پرو غرب صورت مساله را از سیا و پنتاگون پذیرفته و به عنوان مشاورین ساده لوح بوش، کمپین جلوگیری از خطر دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی راه انداخته اند. اینها که با کلیشه سازی از جنگ افغانستان، "جنگ دو قطب تروریستی" را در بوق و کرنا کرده اند، و در باد سکولاریسم پنتاگونی خوابیده اند، در پنهان کردن عرصه و میدان جنگ واقعی از صفوف خود و از مردم، رسماً به عوامفریبی در غلطیده اند. بعلاوه تا جاتی که به رهبری حزب کمونیست کارگری برمیکردند، شرافتمندانه تر بود که رسماً به نام خود حرف میزنند و زیر سایبان ترهای منصور حکمت در مورد جنگ افغانستان، موضع ناسیونالیستی و پرو آمریکائی خود را پنهان نمی کردند.

جنگ آمریکا با طالبان نمی توانست محور "نظم نوین" باشد، چرا که: طالبان قدرتی نبود که آمریکا با زدن آن، بتواند از کسی زهر چشم بگیرد. از سوی دیگر دولت بوش کاری به طالبان نداشت و اجازه داد که متحدین اش، پاکستان و عربستان و امارات، آنرا سر پا نگاه دارند. بعلاوه طالبان در مرکز قدرت آمریکا حائز اهمیت نیستند. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را آفرینند. معلوم بود که یک موضع اندکی واقع بینانه این جنگ واقعی تروریستها را محکوم نمیکرد. اما جنگ با عراق، هر دو جنگ، و جنگ و تبلیغات جنگی فعلی با رژیم اسلامی جنگی یک طرفه با اهدافی در ورای میدان مستقیم این جنگها و قربانیان بلافصل آنهاست. این نقطه فریب دوم، یعنی تغییر نقشه مند میدان جنگ با رقبای اصلی به جای دیگر، و قربانی کردن جامعه و مردم ایران و به آتش کشیدن کل منطقه رو به رقبای دیگر، کله دروغین بودن تمامی جنگ تبلیغاتی را برملا میکند. اگر جنگ و تعرض نظامی دولت بوش به جامعه ایران، هولناکترین صحنه های بمبارانها و عملیات وسیع زیر و رو کردن شیرازه جامعه ایران را همراه و در کنار تحرک و حثیانه باندها و دستجات اسلامی ایجاد و دامن خواهد زد، این حفزه ها و نقطه های فریب دقیقاً چنین صحنه هائی را از مردم میپوشانند. و کسانی و نیروهائی که چشم بر حقیقت می بندند و دروغ پردازی و مهندسی افکار دستگاههای تبلیغاتی حکومت بوش را نجوییده، به عنوان حقیقت و تحلیل سیاسی به خورد مردم میدهند، بدترین نوع دوستان شارلاتان و دروغین مردم اند.

اول مه ۲۰۰۶

به حزب کمونیست کارگری حکمیتست پیوندید!

امید حق طلب

همانطوریکه همگی شاهد هستیم در ایران جمهوری اسلامی بعد از ۲۷ سال حاکمیت بر سر مردم ستمدیده می بینیم که روزانه بر سر این مردم چه میگذرد. بیکاری، بی حقوقی، بی مسکنی، اعتیاد، جنایت، سرکوب، زندان، بربند و بکوب، سنگسار عامل همه و همه این مشقات و مصائب، رژیمی است هار و درنده و جنایتکار نمونه توحش در جهان معاصر، یعنی رژیم اسلامی است. نظامی که آزادی را از زنان و جامعه سلب کرده است. حقوق اولیه و انسانی را پایمال کرده است، امروز اگر کسی از اسلام سیاسی حرف بزند فقط آخوندها، بسیج و گله حزب الله و گروه های انتحار و تباهی در آذهانش نقش میبندد. امروز زنان، جامعه های را میخواند که سوکولار باشد، جوانان بیکار قادر به زندگی کردن با حکومتی نیستند که این همه حق و حقوق آنها را با سرکوب و زندان جواب دهد. سهم جوان امروزی در حاکمیت اسلامی اعتیاد، خودکشی، فقر و استبداد است. در این شرایط، ضرورت سیاسی این را ایجاد میکند که مردم شریف و ازادخواه، حول پرچم انسانی متحد و متشکل شوند، برای این کار حزب و ظرف مبارزه میخوانند. حزب کمونیست کارگری حکمیتست آن افق و آن ظرف و ابزاری است که باید در دسترس این مردم تشنه آزادی قرار گیرد. مردم برای دفاع از حرمت انسانی و دفاع از زندگی و آینده خود به گارد آزادی و حزب کمونیست کارگری حکمیتست ملحق شوند. این حزب تنها جریانی است که به معنای واقعی از هویت انسانی دفاع میکند. یک دنیای بهتر ضامن اصلی دفاع از انسانیت است. باید به این حزب پیوست.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

وظایف عاجل ما... از ص ۱

پیگیری کنیم و بالاخره اینکه پول و امکانشازی مالی اهرم حیاتی تضمین اجرای پروژه های ماست.

این موضوعات فرض ماست و بحثی در مورد آنها ضروری نیست. اینجا بحث سر اقدامات عاجل ما در این فضای جنگی و احتمال وقوع جنگ است. بحث در مورد اقدامات کوتاه مدت در همین شش ماه آتی است. اینکه چه اقداماتی را در دستور میگذاریم، دقیقاً برمیگردیم به اینکه چه موقعیتی باید داشته باشیم و جامعه در همین کوتاه مدت به طور مادی چه تصویری از ما بگیرد. ما ظرفیتهای، تواناییها و همزمان محدودیتهای خود را میشناسیم. صف گسترده رهبران و کارهای اجتماعی و جا افتاده، سیاست انسانی و روشن و تجارب فراوان در جابجایی نیرو در آن جامعه را داریم مسئله اینست در دوره کوتاه مدت پیش رو به طور ایزکتیو جامعه و دوست و دشمن ابراز وجود مادی و قدرتمند ما را باید ببیند. باید به روشنی نشان دهیم جامعه کردستان منطقه قدرت کمونیستها و حکمتیستها ست نه صرفاً منطقه نفوذ آنها. این دو لازم و ملزوم همدان اما یکی نیستند. برای مثال سال 91 شهر سلیمانیه منطقه نفوذ شوراهای و چپ کردستان عراق بود، اما به منطقه قدرت آنها تبدیل نشد. مسئله ابراز وجود قدرت دیگر حس و گمانی و تحلیلی نیست، یک پدیده بسیار عینی و ایزکتیو است. باید نشان داد بر معادلات قدرت تاثیر داری. تناسب قوا را تغییر میدهی، تعیین کننده تناسب قوا میان مردم و

جمهوری اسلامی هستی. قدرت ناسیونالیستها را بلوکه و یا سد میکنی. منظورم اینست جامعه و توده مردم ببیند با ابتکار تو تغییری مادی در موازنه قدرت با دشمنان مردم ایجاد میشود. تجارب فراوانی در این زمینه داریم. تحصن بزرگ سندانج سال 58، مراسمهای بزرگ ماه مه سالهای 65 تا 68 سندانج، کوچ تاریخی مریوان، بلوکه کردن قلدری و زور حزب دمکرات در خیلی جاها توسط ما کمونیستها در جامعه کردستان. اگر از این سر به مسئله نگاه کنیم، اولویتها به نحو دیگری برجسته میشود. از جمله:

1- ابراز وجود گارد آزادی:

ما باید هم حضور قدرتمند علنی و گشتهای سیاسی - تبلیغی گارد آزادی و رهبران کمونیست را تامین کنیم و هم سازماندهی وسیع واحدهای گارد آزادی را در شهرها به سرانجام برسانیم حضور مادی واحدهای درون شهرها مردم تجربه کنند. مشابه حضور اخیر آنها در مریوان و سندانج را تضمین کنیم کارگران و مردم اطمینان پیدا کنند با هر اتفاق و تغییری واحدهای گارد آزادی در دفاع از منافع آنها از همان محله و شهرستان سر بر میاورند و وارد صحنه میشوند ادغام شده در اعتراض و مبارزه آنها و پیشاپیش آنها خواهند بود.

2- کنترل محلات:

بارها در مورد کنترل محلات توسط جوانان و صف آزادیخواه مردم صحبت کردیم. طبق نقشه روشن و بسته به نیرو و امکانات از هم اکنون باید شروع کرد

و فضای محلات و مناطقی را بر جمهوری اسلامی تنگ کرد. پایه های قدرت مردم را در آنجا محکم کرد. و با انگ گشایش مساعدتر کنترل را به دست گرفت. کنترل محلات جزو در هم تنیده ای از اعمال قدرت ما و مردم و ربط مستقیمی با حضور گارد آزادی دارد.

3- گسترش کمیته های کمونیستی:

واضح است بدون وجود یک حزب قوی کمونیستی در شهر اینکارها و هیچ اقدامات عاجلی به نتیجه موثر نخواهد رسید. ستون محکم این حزب کمونیستی وجود کمیته های کمونیستی جا افتاده، اجتماعی و مبتکر است. کارهای حکمتیست داخل باید در این کمیته ها سازمان یابند و نقشه کار روشن و همه جانبه خود را تعقیب کنند. این ضامن تامین حضور رهبری کمونیستی در اعتراضات و مبارزات و تحولات جاری و ضامن اعمال قدرت کارگران و مردم و کنترل محله و شهر و بسیج نیروی انقلابی در مقابله با جمهوری اسلامی و ارتجاع است.

شروع جنگ و موقعیت کردستان:

در بحثهای قبل در مورد پیامدهای خطرناک این جنگ علیه مردم و جامعه و راههای مقابله با آن صحبت کردیم با وجود اینها اگر احتمالاً این جنگ اتفاق بیفتد، به یک موضوع مهم در مورد کردستان باید توجه کرد. جنگ آمریکا شروع شود احتمال دارد شهرهای کردستان از کنترل جمهوری اسلامی خارج شود. برای این وضعیت باید آمادگی

داشت. ناسیونالیستها با اتکا به آمریکا برای این شرایط کیسه دوخته اند. احزاب ناسیونالیست و فدرالیست مسلح و مورد حمایت آمریکا در صند کنترل اوضاع برمیایند. وقوع این اتفاق تناسب قوا را به شدت به ضرر ما و مردم میچرخاند. این وضعیت مطلوبی برای صف مردم و آزادیخواهی نخواهد بود. اما خوشبختانه در کردستان پتانسیل چپ و رادیکالیسم بالا است و اگر ما حکمتیستها با چشمان باز و با روشن بینی و

آمادگی در صحنه باشیم چنین سناریوهای ضد مردمی را ناکام میکنیم در نتیجه از هم اکنون برای این وضعیت باید آمادگی و طرح و نقشه داشت. باید کاری کرد با برچیده شدن جمهور اسلامی کارگران و مردم و آزادیخواهان اعمال قدرت کنند. اداره امور را به دست بگیرند. سر نوشت خود را تعیین کنند. مانع تکرار سناریوی مشابه سرگردانی و بلا تکلیفی 15 سال گذشته حکمیت احزاب ناسیونالیست کردستان عراق شد. در این رابطه تشکیلات کردستان حزب باید آمادگی بالایی داشته باشد. در این اوضاع اقدامات عاجلی که در بالا اشاره کردم، نه تنها صد چندان ضرورت پیدا میکنند. بلکه با حضور موثر و مستقیم اعضای رهبری و کارهای با اتوریته و اجتماعی در شهر، با تکیه بر قدرت گارد آزادی و مردم مسلح و سازماندهی ارگانهای اعمال قدرت مردم، کنترل اوضاع را باید به دست گرفت.

با در نظر گرفتن این فاکتورها به طور جدی دوره آماده باش تشکیلات کردستان حزب است. لازمست منسجم و متحد و روشن

بین به استقبال این وضعیت برویم. حضور موثر رهبری تشکیلات کردستان در این تحولات باید تضمین شود. اقدامات و نقشه های روشنمان باید اجرا شود. سطوح مختلف اجرایی و عملی و طرح و نقشه های مشخص را ارگانهای مستقیماً مسئول پیگیری میکنند. اما در این نشست هم نظری و همدلی در مورد خطیر بودن اوضاع و همگامی در مورد اولویتهای تعیین شده بسیار مهم است.

یک جنبه مهم اینکه اتوریته های اجتماعی و ماتریال وسیع کارهای حزب در کردستان، اعضای شورای کارهای تشکیلات کردستان همه منسجم و محکم حول اقدامات عاجل ایندوره باید سازمان یابند. هیچ کادری از شورای کارها نباید بی سازمان و بدون وظیفه بماند. هر کادر شورای تشکیلات کردستان باید متوجه ایفای نقش تعیین کننده خود در مرحله حساس کنونی باشد. و نهایتاً سازماندهی ابعاد متنوع وظایف سیاسی، اجتماعی و نظامی و سازمانی.... بر عهده رهبری است. اراده و نقشه و ابتکارات ما ضامن ایفای نقش تاریخی حکمتیستها و کمونیستها در این تند پیچ تاریخی است. این رسالت را میتوانیم به فرجام برسانیم. جامعه تشنه آزادی و رادیکالیسم، تجربه، صف رهبری روشن بین، ماتریال وسیع کادری، نسل جوان کمونیستی پرشور و خلاق و تصمیمش را داریم مباحث و تصمیمات این پلوم همین را تاکید میکند. باید بسرعت جنید و تعجیل کرد.

جمله سقر و شهر همیشه سرخ سندانج در این روز و روزهای قبلاش پوسترها و عکس های منصور حکمت و آرم و اعلامیه های حزب حکمتیست را در محله های مختلف پخش کردند و کارگران کارخانه های نساجی و شامو و دیگر کارخانه های خصوصی و دولتی از رفتن به محل کار خودداری کردند باز هم احساس غرور و قدرت در من بیشتر شد.

زنده باد اول مه!

داریوش اسدی - از تهران -
11/2/85

این روزها رژیم و حامیانش سخت مشغول آنند که زنان را به حجاب اجباری فرا می خوانند. اما در راهپیمایی امروز زنان و دختران اعم از کارگر و غیر کارگر با پوشیدن لباسهای روشن و مانتو شلوارهای کوتاه و مدل دیسکو شکل خاصی را به مشارکین راهپیمایی بخشید و با اهداء شاخه گل بدون اینکه همدیگر را بشناسند روز کارگر را متقابلاً تبریک می گفتند. البته در صفوف راهپیمایی لباس شخصیها و بسیجیان حکومتی چهار چشمی مردم را نظاره گر بودند. شنیدم امروز در شهرهای کردستان از

همراه داشت. وقتی که نوش به نوش زن و مرد کارگر در راهپیمایی با شکوه و اعتراض آمیز تهران شرکت کردم خود را آزاد و رها حس کردم.. مشاهده کردم که تمام قوانین کار و کارگر در دنیای بهتر امروز کارگران با در دست داشتن پلاکارتهای زنده باد روز جهانی کارگر بر سر زبان آورند و فراخوان عموم کارگران خواستار هر چه سریع بیمه بیکاری / لغو قراردادهای موقت / امنیت کار و کارگر / داشتن حداکثر حقوق و اضافه حقوق و لغو کار اضافی و ... بودند. و قابل ذکر است که

اول ماه مه گرامی باد!

هنگامیکه در صف پر شکوه اول مه همراه صدها انسان مصمم اول مه را مارش میروید احساس عجیبی به انسان دست میدهد. احساس غرور و قدرت، پی بردن به عزم پر شکوه و پر آوازه، که در صف اول ماه مه موج میزند. امروز یازدهم اردیبهشت فقط روز کارگر نبود. در واقع ابراز نفرت مردم و آرزوی شکست نظام سرمایه داری بود. باور کنید در تمام عمرم به اندازه امروز خوشحال نبودم. خوشحالی که سر بلندی به

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com

Tel:0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!